

رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آنها علی شکوری*

این مطالعه ماهیت رفتارهای حمایتی، عوامل و انگیزه‌ها و همچنین جهت آن‌ها را با استفاده از روش میدانی در شش استان کشور مورد بررسی قرار می‌دهد. فرض شده که این رفتارها تحت تاثیر پیش شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی است و تفاوت‌های شناختی، شخصیتی و مادی (اقتصادی) به همراه محیط‌های اجتماعی از قبیل نهادهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌ها در بروز آن‌ها موثر است.

این مقاله نتیجه می‌گیرد که متغیرهایی چون "آگاهی و اطمینان از مشکلات مردم و شرایط فقر و نیازمندی جامعه"، "اعتقاد به موثر بودن کمک‌ها در رفع مشکلات دیگران" و "عدم وجود جایگزین دیگر به جز کمک خود پاسخگویان"، "باور به عدم توان سازمان‌های حمایتی فعال در امور حمایتی برای رفع نیازمندی" و "توان عینی (اقتصادی) پاسخگویان برای کمک" و همچنین "موقعیت‌ها و وضعیت‌های محرک احساسات و عواطف" بیشترین تاثیر را در بروز رفتارهای حمایتی جامعه آماری مورد مطالعه دارند. در عوض، متغیرهای فردی چون جنس، تأهل و سن در رفتارهای حمایتی پاسخگویان تاثیر زیاد و تعیین کننده‌ای ندارند. رفتارهای مورد بررسی، دارای ماهیتی ارادی و داوطلبانه هستند که با انگیزه‌های نوع دوستانه با خصایص ایثارگرانه و خالصانه رخ می‌دهند و در مناطق توسعه یافته‌تر گرایش به عام‌گرایی، یعنی با انگیزه کمک به انسان به صورت صادقانه و به مفهوم عام کلمه (نه انسان هم‌کیش، خویشاوند و هم‌قوم و امثالهم) صورت می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: حمایت، دگرخواهی، عام‌گرایی، کنش مشارکتی، نوع‌دوستی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۵/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۱۱/۵

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران <Shakoori@ac.ut.ir>

مقدمه

هدف این مقاله بررسی رفتارهای حمایتی، عوامل و انگیزه‌ها و همچنین جهت آنها است. این نوع رفتارها در قالب کنش‌های مشارکتی دگرخواهانه افراد مطرح می‌شود که بخش عمده‌ای از آنها در اعمال نوع دوستانه از قبیل کمک به مستمندان و حمایت از دیگران نیازمند، نمود عینی پیدا می‌کند.

به طور کلی بررسی کنش‌های دگرخواهانه افراد، یکی از موضوعات عمده‌ای بوده که توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به‌خود مشغول داشته است. این عنایت از چند بعد مهم بوده است.

نخست، ارزش بالنفسه این نوع تعاملات انسانی و به‌ویژه اثراتی است که آنها بر مناسبات ارزشمند انسانی بر جای می‌گذارند. از آنجا که رفتارهای نوع دوستانه، مناسبات تعاونی اصیل را در جامعه گسترش می‌دهند، از این‌رو شرایط عینی را برای افزایش مودت اجتماعی و کاهش محرومیت اجتماعی فراهم می‌نمایند. گفته می‌شود که به هر اندازه روابط همیاری و امدادسانی داوطلبانه در زمینه‌های مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (همدردی)، معرفتی (راهنمایی مشاوره و آموزه‌های اجتماعی و مذهبی) و منزلتی (اعاده عزت نفس انسانی) بالا باشد به همان میزان، نابرابری اجتماعی و عزت‌گزینی و سایر اختلالات اجتماعی کاهش می‌یابد. (چلبی، ۱۳۷۵)

دوم، به‌دلیل کارکردها و الزاماتی که کنش‌های مشارکتی از جمله رفتارهای حمایتی برای ایجاد و دوام نظم اجتماعی در پی دارند. به‌زعم برخی علمای اجتماعی از جمله الستر (۱۹۹۰)، از آنجا که ایجاد این نوع رفتارها در سطح خرد نظام اجتماعی، مستلزم حداقل همفکری، درک مشترک، همدلی متقابل، احساس تعلق مشترک و ارزشیابی مشترک است، که ریشه در نفع مشترک و نیازهای عام انسانی داشته و تأمین این نیازها نیز تنها با تشریک مساعی بین کنش‌گران میسر است، لذا بروز آنها عملاً به تولید مازاد تعاونی (Cooperative Surplus) می‌انجامد، مازادی که در صورت ایجاد و توسعه آن سبب تقویت اعتماد، انسجام و نظم اجتماعی می‌شود. (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰-۲۱) در سطح کلان نظام اجتماعی نیز، از آنجا که رفتارهای حمایتی نوعی تعامل با (و یا برای) دیگران را مطرح می‌کند، اسباب تعریض حوزه اخلاقی، تعمیم وابستگی عاطفی افراد و تعمیم تعهد درونی افراد به دیگران را فراهم می‌کند و امکان ادخال اجتماعی را، که برای انسجام اجتماعی ضروری است، تسهیل می‌کند. این موضوع، به‌ویژه برای جوامع معاصر که فرآیند تفکیک‌پذیری (Differentiation) را طی کرده‌اند، اهمیت خاص پیدا می‌کند. در واقع، نظم اجتماعی معاصر بیش از همه نیازمند مناسبات عاطفی بسط یافته‌ای است که بر تعهد تعمیم یافته و عام‌گرایی مبتنی باشد. به‌دلیل این‌که روابط

عاطفی دارای بعد اظهاری و حامل ارزش درونی و دارای خصلت پیوند دهندگی است، از این رو، سنگ بنا و عامل بقاء اجتماع و یا گروه اجتماعی است. (همان) سوم، رفتارهای حمایتی، ویژگی عام تمام جوامع در طول تاریخ اعم از سنتی و جدید بوده، و وجود نهادهای خیریه‌ای و تکامل آنها چه در سطح ملی و چه بین‌المللی گویای این حقیقت است، ولی نکته حائز اهمیت این‌که، میزان مشارکت امور حمایتی بر حسب افراد، گروه‌های مختلف و جوامع گوناگون نیز متفاوت است و این امور به یکسان افراد را متوجه خود نمی‌سازد. نکته مهم‌تر این‌که، همزمان با تحولات جوامع از شکل سنتی به مدرن، گرایش‌های مربوط به رفتارهای نوع‌دوستانه افراد نیز تغییر کرده است و در مواقعی حتی جوامع با فقدان علاقه و بی‌میلی تعداد قابل توجهی از آنها به امور اجتماعی و روندهای آن مواجه بوده‌است.

جامعه ما به دلیل ویژگی‌های خاص (مذهبی، شعائری، ملی، ارزشی و غیره) دارای پتانسیل بیشتری در زمینه همیاری و کمک به هم‌نوع بوده که به‌صورت سازمان‌یافته یا نیمه‌سازمان‌یافته و گاه در قالب تشکلهای محلی، ملی، مذهبی (مستقل از نظام رسمی مانند کمک‌های دولت و سازمان‌های بین‌المللی) در حمایت از هم‌نوعان نقش ایفا کرده‌است، ولی بررسی‌ها و اذعانات مسئولان و دست‌اندرکاران امور حمایتی نشان می‌دهد که، اولاً کنش‌های حمایتی از یک روند منظمی پیروی نکرده‌است؛ ثانیاً، هنوز تا بهره‌گیری مطلوب و بهینه از ظرفیت‌های حمایتی موجود در جامعه، فاصله وجود دارد. (شکوری، ۱۳۸۲؛ کمیته امداد امام، ۱۳۸۲) به‌علاوه، علی‌رغم اهمیت کمک به هم‌نوع و سابقه طولانی این نوع کنش‌ها در جوامع مختلف از جمله جامعه ما، کمتر به‌صورت تجربی این رفتارها و عوامل و انگیزه‌های موثر در آنها مورد کاوش قرار گرفته‌است. این نوشته تلاشی است برای بررسی این موضوعات. به‌عبارتی، ما در این بررسی به دنبال آن‌ایم که دریابیم این رفتارها دارای چه ماهیت و جهت‌گیری‌ای می‌باشند؟ و متاثر از چه عوامل و انگیزه‌هایی هستند؟

به‌طورکلی، مباحث در سه بخش ارائه می‌شود. در بخش نخست، مباحث نظری که موضوع مورد مطالعه را از زوایای مختلف تبیین کرده‌اند، مرور می‌شود و پاسخ‌های نظری در مورد ماهیت رفتارهای حمایتی ارائه و ارزیابی می‌شود؛ در بخش دوم، به روش‌شناسی پرداخته می‌شود؛ در بخش سوم، نتایج بررسی میدانی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ و در بخش آخر، مباحث جمع‌بندی می‌شود.

۱) ملاحظات نظری

تعبیر مختلفی در ارتباط با طبیعت رفتارهای افراد در خصوص اقدامات خیرخواهانه هست. برخی تعبیر، به آنها به عنوان انگیزه و حالتی ذهنی نگریسته‌اند و برخی دیگر، به آنها به عنوان تظاهرات رفتاری نگاه کرده‌اند و آنها را یک پیامد ذهنی کسب شده تعبیر نموده‌اند. این تعبیر دوگانه، نقطه آغازین تفاوت تمایز روش شناختی بین طرفداران اصالت فرد و طرفداران اصالت جمع می‌باشد که در تبیین رفتارهای افراد، طیفی را تشکیل می‌دهند که در یک سو، تأکید بر جنبه‌های فردی و شخصیتی (زیستی، روان‌شناختی) و در سوی دیگر، تأکید بر جنبه‌های فرافردی (جامعه‌شناختی) قرار دارند.

بر اساس رویکرد رفتاری، دگرخواهی صرفاً به عقاید واقعی ارائه‌کنندگان کمک توجه می‌کند. از این منظر، کنش خیرخواهانه بر اساس پیامدهایش سنجیده می‌شود. اگر نتایج بتواند تا حدی نیازهای دیگران را برآورده کند یا به آنها کمک کند تا چیزهایی دیگر را به دست آورند، این به عنوان دگرخواهی انسان‌گرایانه تلقی می‌شود. برخی بر این باورند نوع دوستی عنصر فداکاری را در کنه خود دارد، اما واضح است در رفتار کمک‌رسانی به دیگران بیش از عنصر فداکاری، خود مسئولیتی و دغدغه خاطر برای دیگران مطرح می‌شود این عناصر هنجارهای اجتماعی را در جامعه منعکس می‌سازند و فرض بر این است که این نوع رفتارها برای ارتباط و پیوند ضروری می‌باشد. (Page, 1996:11)

برخی از علما به ویژگی ذاتی و فطری بودن نوع دوستی تأکید دارند که در طی فرآیند رشد افراد، روند تکاملی خود را طی کرده است. انسان در اجتماع و در زندگی اجتماعی شانس بیشتری برای ادامه حیات پیدا می‌کند؛ یعنی همکاری و مشارکت با یکدیگر به افراد اجتماع بخت بهتری برای بقا به دست می‌دهد (Campell, 1988). نکته انکاء هواداران این نظریه، اعمال نوع دوستی کودکان در دو سال اول زندگی خود مانند غذا دادن به دیگران و امثالهم می‌باشد که در طی زندگی تکامل می‌یابد.

در مقابل فطری‌گرایان، عده‌ای بر خصلت اکتسابی نوع دوستی از طریق مشاهده اعمال نوع‌دوستانه و امدادگرانه دیگران اشاره می‌کنند (Ferrier, 1970). تقلید رفتار والدین خصوصاً رفتارهای اهداء کمک به نیازمندان و یا تشویق کودکان در هنگام کمک به والدین، در وهله نخست نقش مهمی در تکرار رفتار کمک‌رسانی افراد در بزرگسالی دارد. در این بین، برخی نیز اظهار داشتند این نوع رفتارها ذاتی است ولی یادگیری در میزان آنها تأثیر بسزایی دارد.

در کنار نظریات فوق، نظریات "بیولوژیکی" و "بیولوژیکی - اجتماعی" قرار دارند. بر اساس نظریه بیولوژیکی، اساس هستی بر بقاء ژن‌ها استوار است. این ژن‌ها هستند

که ما را به سوی شرایطی از جمله رفتارهای انسان دوستانه هدایت می‌کنند که در آن شرایط بیشترین شانس را برای بقاء در جهان داریم. آن‌ها مردم را برای ادامه حیات آماده می‌سازند تا درست عمل کنند و توانمند باشند و در صورتی که ضعیف باشند از حرکت باز می‌ایستند (Myers, 1988). قابل ذکر است هرگز مکانیزم و یا مکانیزم‌هایی که باعث می‌شود زن‌ها عامل بروز رفتارهای نوع دوستی بشوند مشخص نشده است. با این حال زن‌ها در بروز ویژگی‌های تمام افراد یک خانواده، یا فامیل مهم‌اند و هر یک از آن‌ها به نوعی از نظر ژنی مشابه هستند. ارتباط ژنتیک یکی از عواملی است که سبب می‌شود خویشاوندان از هم حمایت کنند. مکمل این نظریه ژنتیک، نظریه زیستی - اجتماعی است که به عوامل اجتماعی نیز در تبیین رفتارهای نوع دوستانه بهاء می‌دهد. مطابق این نظریه افراد مشابه به لحاظ زیستی - اجتماعی دارای رفتارهای نوع دوستانه بیشتری به یکدیگر خواهند بود. ابتدا به افراد خانواده و سپس به دوستان و نزدیکان دیگر کمک می‌شود. اساساً در این نظریه نفع متقابل را می‌توان مطرح کرد که در خویشاوندان و نزدیکان، احتمال کمک اعضاء به یکدیگر بیشتر است. هر چند دیدگاه‌های بیولوژیکی یا زیستی - بیولوژیکی در امدادسانی جایگاه مهمی را دارا هستند (Campell, 1988)، ولی قادر به تبیین جامع رفتارهای کمک‌رسانی نیستند. برای این‌که متغیرهای دیگری هستند که نقش بسزایی در کمک متقابل ایفاء می‌کنند که قابل تأویل به مسایل ژنتیکی نیستند، مانند قوانین اخلاقی، مذهب و دین مشترک، و غیره. به علاوه، لزوماً افراد به هم‌زنها و اقوام کمک نمی‌کنند. به‌زعم تئوری پردازان مکتب مبادله، بسیاری از رفتارهای انسانی از جمله اعمال خیرخواهانه در چارچوب مبادلات انسانی قابل تبیین هستند. همان طوری که در روابط بین انسان‌ها مادیات رد و بدل می‌شوند فرآیندهایی نظیر دوستی‌ها و علائق اجتماعی نیز با یکدیگر مبادله می‌شوند (Myers, 1988). این تئوری پردازان با توجه به چارچوب تئوریک این مکتب، به کسب بیشتر پاداش (Reward) در مقابل کمترین هزینه (Cost) اشاره می‌کنند و معتقدند که انسان‌ها سعی می‌کنند در مناسبات خود پاداش بیشتری یعنی بیش از آنچه هدیه می‌کنند را به‌دست آورند. در واقع، چنین انگیزه‌ای آن‌ها را بسوی کمک به دیگران سوق می‌دهد. برخی از علمای اجتماعی مبادلات مذکور را در چارچوب مبادله نامتقارن و مبادله متقارن گرم مورد بحث قرار می‌دهند. مبادله نامتقارن، انتشاری و عاطفی است. در این مبادله طرفین نسبت به یکدیگر احساس مثبت دارند. ایثار، یاری دگرخواهانه، بخشش یا به تعبیری "هدیه" ناب از مظاهر برجسته این نوع مبادله محسوب می‌شوند که در آن‌ها، غالباً انتظار جبران یا برگشت از طرف مقابل وجود ندارد. برگشت تنها از نوع نفع جانشینی و یا رضایت جانشینی است که در مقولات ایثار و فداکاری تبلور می‌یابد و در گروه‌های اولیه (دوستی، همسایگی و خانواده) یا جوامع

نسبتاً مساوات طلب که تمایز پذیری اجتماعی و اقتصادی را تجربه نکرده‌اند قابل مشاهده است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲۸). در مبادله متقارن گرم، رفاه و نفع طرفین مورد توجه طرفین است. طرفین به سعادت و رفاه حال یکدیگر علاقه دارند (همان). منشأ این احترام متقابل و توجه به حال دیگری و یا یکدیگر در همفکری، همدلی و اعتماد، انگیزه‌های نوع دوستی صادقانه و حقیقی است (Baron Byrne, 1987). این نوع مبادله را بیشتر در جوامع تفکیک یافته مدرن معاصر می‌توان ملاحظه نمود. تفکیک‌های دو گانه نقطه عزیمتی برای تحلیل‌های جامعه‌شناختی رفتار دگر خواهانه است. این تحلیل‌ها سعی کردند برخی از خلاء‌های موجود در تحلیل‌های بیولوژیکی، روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی را از طریق طرح مفاهیمی چون هنجارهای اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، هویت جمعی، ارزش‌های اجتماعی، مسئولیت شهروندی و... پر کنند.

به نظر مایرز (۱۹۶۰)، همه اجزاء کلی رمزهای اخلاقی (Moral Codes) ریشه در هنجارهای متقابل دارد. این هنجارها کلی و عام هستند و همه آن را می‌پذیرند. با توجه به این دیدگاه کم‌کرسانی به همنوع یک هنجار اجتماعی است و افراد بر اساس قرار داد اجتماعی به همدیگر کمک می‌کنند (Myers, 1988). هنجارهای مسئولیت اجتماعی در خصوص کم‌کرسانی غالباً با این موضوع مرتبط است که موقعیت نامساعد، ناشی از شرایط یا عواملی است که خارج از کنترل و اختیار مددجو است و افراد نیازمند، بر اساس آگاهی و شناخت باعث بروز مشکلات نشده‌اند. (Monroe, 1991)

برخی تحلیل‌های جامعه‌شناختی به اهداف وسیع‌تر و انتزاعی‌تر اشاره می‌کنند. بر اساس آن‌ها، کم‌کرسانی و رفتار نوع‌دوستانه یک ارزش نمادین تلقی می‌شود و از آن‌جا که نوع دوستی به‌عنوان منبعی برای اتکاء مردم در جامعه به‌شمار می‌رود بالنفسه یک ارزش اجتماعی است. ارزش‌های نیکوخواهانه بنیان‌های رفتاری را شکل می‌دهند که دوستی و الفت را میان شهروندان تقویت می‌کند. شهروند به نوبه خود، مسئولیت اخلاقی احساس می‌کند و متعهد به ارتقاء خیر مشترک (همگانی) است، بدین ترتیب کل روابط اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (Miller, 1992: 26). این نوع دوستی‌ها بُعد عاطفی مورد نیاز را برای تشکیل هویت‌های جمعی تقویت می‌کند که به نوبه خود زمینه گسترش رفتارهای انسان‌گرایانه می‌شود که مبتنی بر منافع عام و نه مبتنی بر تشکل‌های درون گروهی (از قبیل خویشاوندی، قومی) است (Zokaei, 1999: 18-20). این تفاسیر رفتارهای نیکوخواهانه را با مفهوم شهروندی (Citizenship) و سرمایه اجتماعی (Social Capital) مرتبط می‌کند. بر اساس نظریه شهروندی رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتر مبتنی بر شناخت است. شهروندان نه تنها منافع خودشان را در نظر می‌گیرند، بلکه از عضویت در اجتماع وسیع‌تر آگاهند. جامعه نوین مرکز تعاملات روابط ارگانیکی به مفهوم دورکیمی است. در عین حال نوع‌دوستی، شهروندان را به داشتن روابط با دیگر اعضاء سوق

می‌دهد و رفتار دگردوستانه شخصیت افراد را از حالت بسته خارج می‌کند و آنها را به عنوان اعضای انتزاعی جامعه تغییر می‌دهد که فراتر از وابستگان نزدیک است.

از آنجا که اعمال نوع دوستانه آدم‌ها در ارتباط با دیگران و برای آنان رخ می‌دهد نوعی کنش مشارکتی است که لزوماً نه تحت‌تأثیر جبرهای زیستی است و نه اجتماعی، و نه بدون هدف و اراده و آگاهی افراد صورت می‌گیرد، بلکه هم به لحاظ نیت و هم به لحاظ پیامد هدفمند است؛ لذا جنبه‌های فردگرایانه و جنبه‌های جمع‌گرایانه در شکل‌گیری کنش‌های انسانی به یک اندازه مهم هستند. از این‌رو، برای اجتناب از مغالطه‌های روش‌شناختی و با الهام از سنت پارسونزی در تفسیر کنش انسانی می‌توان به یک دیدگاه تلفیقی، که مبتنی بر ترکیب دیدگاه‌های تقابلی (Dichotomous) است، دست یافت. در این چهارچوب، نظریات و الگوهای مختلفی ارائه شده‌است. از مهم‌ترین آن‌ها، مدل آیزن و فیش بین (Fishbein Ajzen, 1975) است که مبتنی بر نظریه کنش مدلل (Reasoned Action) می‌باشد. به‌عنوان این‌ها، رفتارها در پی زنجیره‌ای از عوامل به‌وجود می‌آیند و حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار، قصد و نیت برای انجام آن است. "نیات"، تابعی از گرایش (Attitude) به‌سوی رفتار و هنجارهای ذهنی (Subjective Norms) می‌باشند. مطابق با این نظریه، رفتار افراد مبتنی بر دلایلی است که آن‌ها برای نتایج اعمال خود دارند و در نتیجه آن‌ها به انتخاب منطقی (Rational Choice) دست می‌زنند. عناصر این نظریه متشکل از دو بخش شخصی و اجتماعی است. عنصر شخصی گرایش فرد است که خود تحت‌تأثیر دو متغیر انتظار فایده و ارزیابی فایده است. بخش اجتماعی شامل هنجار ذهنی و بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است و متأثر از دو متغیر انتظار دیگران، به‌خصوص دیگران مهم، و نیز انگیزه یا پیروی از انتظارات دیگران است. این افراد یا گروه‌ها نقش الگو را برای رفتار افراد ایفاء می‌کنند. (رفیعی‌پور، ۱۳۶۸: ۸-۱۱)

مدل انتظار و فایده به وسیله رابرت دال (۱۳۶۲: ۳۴-۳۱) در چارچوب قضایایی بسط داده شده که برخی از آن‌ها در ارتباط با کنش مشارکتی حمایتی یا رفتارهای انسان‌دوستانه الهام‌بخش است. به نظر وی فرد موقعی در امری مشارکت می‌کند که:

– پاداش‌های (مادی و غیرمادی) حاصل از مشارکت برای وی از ارزش بالایی برخوردار باشد و با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی منطبق باشد؛ مثلاً اگر مردم در ارزشیابی‌های خود به این نتیجه برسند که از طریق کمک به فقرا نتایج چندانی عاید نخواهد شد یا اعتقاد به این امر نداشته باشند، آن‌ها حاضر نخواهند بود حمایت از فقرا را از آن طریق دنبال کنند.

– مکانیزم مشارکت را در نیل به هدف در مقایسه با سایر مکانیزم‌ها موثرتر ارزیابی کند و به نتیجه برسد. در غیراین‌صورت تمایل چندانی در مشارکت در امور اجتماعی نخواهد داشت؛ مثلاً در حمایت از فقرای جامعه، اگر شخصی مکانیزم کمک به

نیازمندان هم‌نوع را بهتر از مکانیزم‌های دیگر برای کاهش محرومیت و آلام دیگران تلقی کند تمایل بیشتری برای کنش مشارکتی خیرخواهانه خواهد داشت.

- فرد از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد. بنابراین، فردی که فکر کند دانش او در زمینه‌ای محدودتر است و با درگیر شدن در آن، عملاً به نتیجه‌ای مناسب نخواهد رسید ترجیح خواهد داد کمتر در آن مشارکت کند. این موضوع عمدتاً به جهل فرد، یا به عبارتی به آگاهی فرد از جهل خود در زمینه‌ای خاصی مربوط می‌شود؛ مثلاً اگر افراد آگاهی کافی در مورد شرایط فقر و نیازمندی در جامعه نداشته باشند، به‌ندرت نیت و عمل کمک به دیگران در آن‌ها ایجاد خواهد شد.

- فکر کند بدون مداخله او، نتایج برخی اقدامات و امور توسط دیگران چندان رضایت‌بخش نخواهد بود. در این صورت تعهد و تمایل بیشتری برای مشارکت در آن امور خواهد داشت.

در چارچوب تحلیل‌های روانی - اجتماعی، دیوید سیلز در پی تبیین عوامل موثر بر مشارکت می‌باشد. به نظر می‌رسد سیلز، در کنار دیدگاه‌های مذکور، تبیین‌های مکمل و فراگیری را فراهم می‌نماید که برای بررسی تجربی کنش‌های مشارکتی از نوع حمایتی رهنمود بخش است، به‌ویژه طبقه‌بندی وی از عوامل در هم تنیده روانی - اجتماعی مفید می‌باشد. به نظر او اولاً، افراد در متن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم و تربیت و آموزش، باورها، مذهب و...) محاط شده‌اند؛ ثانیاً، تفاوت‌های شخصیتی از نظر توانمندی‌ها و استعدادها موجب می‌شود که افراد از نظر آمادگی برای پاسخ دادن به محرک‌های اجتماعی متفاوت باشند. به این عوامل باید تفاوت‌های شناختی (میزان آگاهی)، فیزیکی و مادی (اقتصادی) را اضافه نماییم که امکان عینی بروز کنش مشارکتی را فراهم می‌سازد. ثالثاً، تأثیر پیش شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی بر فعالیت اجتماعی افراد تا حدود زیادی بستگی به محیط‌های اجتماعی شامل نهادها و سازمان‌های اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی دارد. بنا به عقیده سیلز، سه دسته متغیر به شدت با یکدیگر مرتبط و به هم آمیخته‌اند و هر تحلیلی که فقط مبتنی بر یکی از آن‌ها باشد گمراه‌کننده است. (محسنی تبریزی، موسوی‌نژاد، ۱۳۷۰: ۷)

با توجه به مباحث نظری، شاید بتوان رفتارهای حمایتی و دگرخواهانه را این‌گونه تعریف کرد که این نوع رفتارها نوع خاصی از کنش اجتماعی یا مشارکتی هستند که با دغدغه خاطر برای دیگران همراه‌اند و غالباً آگاهانه و داوطلبانه‌اند. در این کنش‌ها موضوع حرکت از نیت و قصد رفتاری به یک رفتار عینی، محور اساسی است. تحقق نیات علاوه بر وجود گرایش به عمل، مستلزم وجود عوامل دیگری از قبیل آگاهی از شرایط نیازمندی، دیدگاه افراد نسبت به این پدیده و داشتن امکان عینی کمک به دیگران هم‌نوع می‌باشد که غالباً متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی و آموزه‌های مذهبی و

امثالهم است. به عبارتی هر چند رفتارهای نوع دوستانه يك تصمیم ذهني تلقی می‌شوند ولي همه آنها توسط باورها و شروط موقعیتی مشروط می‌شوند و جهت‌گیری آنها بر اساس الگوهای جمعی (قواعد، هنجارها و الگوهای اجتماعی) ساخت‌یابی شده‌اند و از این‌رو، این رفتارها نتیجه سلسله عوامل روانی، اجتماعی و روانی - اجتماعی‌اند. هر چند برخی از افراد در برخی جوامع در رفتارهای خیرخواهانه خود رضایت جانشینی مانند ایثار و فداکاری را مد نظر قرار می‌دهند و در وهله اول اطرافیان، همکیشان و امثالهم را جزء تعهدات (اخلاقی یا اجتماعی) خود می‌دانند، ولي در برخی دیگر، انگیزه‌های دگرخواهی صادقانه ریشه در همدلی، اعتماد و هم‌فکری دارد و در ذهن اینان «دیگران» به‌طور عام به مفهوم کل (هم‌نوع) مطرح است. این ذهنیت در کمک به نیازمندان و حمایت از مستمندان تأثیر به‌سزایی دارد.

۲) روش‌شناسی

۲-۱) هدف

هدف این تحقیق بررسی رفتارهای نوع دوستانه، انگیزه‌های کمک و عوامل تعیین‌کننده آنها می‌باشد تا بتوان شناختی از ماهیت این‌گونه رفتارها و جهت آنها (از قبیل خاص‌گرایانه و عام‌گرایانه) را مشخص نمود.

۲-۲) تعریف عملیاتی متغیرها

با توجه به مباحث نظری فرض می‌شود که رفتارهای نوع دوستانه دارای ویژگی‌های زیر باشند و با متغیرها و عوامل زیر مرتبط باشند:

- انگیزه‌های افراد (مذهبی، نوع دوستی)؛
- شرایط اقتصادی و اجتماعی (تحصیلات، شغل، بعد خانوار و توان مالی)، ویژگی‌های فردی (سن، جنس، تاهل) و باورها و اعتقادات (میزان مذهبی بودن، تقدیرگرایی) افراد؛
- فعالیت‌های مشارکت اجتماعی افراد؛
- میزان آگاهی افراد از وضعیت فقر و نیازمندی‌های جامعه؛
- باور به نتیجه بخشی رفتارهای خیرخواهانه در رفع یا تخفیف آلام دیگران؛
- اعتماد به دیگران (در اظهار نیاز) و به سازمان‌ها و دستگاه‌های حمایتی جامعه؛
- اعتقاد به عدم توانایی دولت و یا دستگاه‌های حمایتی در رفع نیازمندی؛
- موقعیت‌ها و وقایع از قبیل سوگواری، مسافرت، عید و بیماری؛

- مناطق به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی.

برخی از این مفاهیم نیاز به تعریف و توضیح دارند که ذیلاً اشاره می‌شود.
- مذهبی بودن: این مقوله به اجرای اوامر و دستورات و توصیه‌های مذهبی اشاره می‌کند. در مطالعه حاضر با توجه به تحقیقات انجام شده در مورد مذهب خصوصاً در ایران (سراج‌زاده، ۱۳۷۷؛ رجب‌زاده، ۱۳۷۷) و پس از بررسی‌های مقدماتی با توجه به هدف تحقیق تعداد معدودی از معرف‌ها برای مطالعه زمینه‌های مذهبی انتخاب شدند که عبارتند از اولویت‌بندی افراد در هزینه کردن پول و درآمد خود در صورت داشتن مقدار قابل توجهی پول در اموری چون: الف) زیارت اماکن مقدسه؛ ب) کمک به نیازمندان؛ ج) خرید مسکن و سیاحت. فرض بر این بود که انتخاب مورد الف «بیشتر مذهبی»، مورد ب «مذهبی بودن» (به‌طور متوسط) و موارد دیگر «کمتر مذهبی» بودن پاسخگویان را نشان می‌دهد. معرف میزان مقید بودن به «نذر و نیاز» و «رعایت واجبات و مستحبات و ترک محرمات» نیز در گویه‌های مستقل از پاسخگویان سؤال شد.

- تقدیرگرایی (Fatalism): اعتقاد به این‌که وقایع و امور به وسیله سرنوشت تعیین شده‌اند و آنچه هست و رخ می‌دهد اجتناب‌ناپذیر و از پیش تعیین شده است و تلاش و اراده بشری در جهت دادن یا ایجاد تغییر در آن‌ها نقشی ندارد. با الهام از تحقیقات و مقیاس‌های توصیه شده برای سنجش قدرگرایی و بی‌قدری (Miller, 1980) و پس از بررسی‌های مقدماتی، گویه‌هایی در محورهایی چون: «نظر پاسخگویان بر تعیین سرنوشت فرد قبل از تولد»؛ «نظر پاسخگویان در مورد توانایی فرد در مورد تغییر سرنوشت خود»؛ و «نظر پاسخگویان در مورد بخت و شانس» انتخاب شدند.

- مشارکت: به مفهوم درگیری ذهنی و عینی و سهیم شدن در امری و فعالیت می‌باشد. مشارکت به دو صورت مورد بررسی قرار گرفت: الف) مشارکت انجمنی، به مفهوم مشارکت در مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی از قبیل عضویت در انجمن‌ها، شوراهای کانون‌ها یا همکاری با ارگان‌های و نهادهای اجتماعی و شرکت در مجالس مذهبی؛ ب) مشارکت در کمک به هم‌نوع؛ این نوع مشارکت به‌صورت اخص مد نظر بوده است و با گویه‌هایی در محورهایی چون «میزان کمک به نیازمندان جامعه (کمک‌های نقدی و غیر نقدی)»، «میزان کمک در طی دوره‌های زمانی خاص (مثلاً سال گذشته، ماه گذشته)» و «میزان کمک به نیازمندان از طریق سازمان‌ها و دستگاه‌های حمایتی» مورد مطالعه قرار گرفتند. بُعد دوم در واقع به خود متغیر وابسته تعلق دارد.

- آگاهی: فرض بر این است که دانش و اطلاع از وضعیت و شرایط، مقدم بر کنش مشارکتی افراد است. در این‌جا میزان آگاهی از مسایل و مشکلات جامعه و همچنین شرایط فقر و نیازمندی در جامعه مد نظر بوده است که از طریق «ارزیابی پاسخگویان

از قرار گرفتن بیشتر مردم در طبقات مختلف (بالا، متوسط و پایین) و «دیدگاه پاسخگویان در مورد روند فرآیند فقر و قطبی شدن جامعه به مفهوم افزایش شکاف بین فقیر و غنی» در قالب گویه‌هایی تعبیه گردید. انتخاب این مقولات مبتنی بر شواهد آماری بررسی هزینه و درآمد خانوار و مطالعاتی است (مرکز آمار ایران ۱۳۶۱؛ ۱۳۶۷؛ ۱۳۸۰) که در دهه‌های گذشته انجام شده و بیانگر افزایش فقر و فاصله فزاینده بین فقرا و اغنیاست. (نخجوانی، ۱۳۸۱).

- **اعتماد:** به مفهوم وثوق و اطمینان به دیگری یا دیگران (خصوصاً به لحاظ اطمینان از صحت ابراز نیاز و مقصر نبودن فرد در شرایط نیازمندی و ی) است. این مفهوم به طرق زیر بررسی شده است: الف) درجه اعتماد پاسخگو به دیگران (مردم) که در قالب مقیاسی مشتمل بر گویه‌هایی شش‌گانه پس از آزمون مقدماتی انتخاب و بررسی شدند که عبارتند از: «این روزها به سختی می‌توان کسی را پیدا کرد که واقعاً به او اعتماد کرد»؛ «وقتی خوب فکر می‌کنی می‌بینی کسانی که می‌توانی اعتماد کنی اندک‌اند»؛ «اکثر مردم قابل اعتمادند»؛ «عموماً می‌توان به غریبه‌ها اعتماد کرد»؛ «اکثر مردم در بیان نیاز به دیگران درستکار و صادق‌اند» و «خیلی‌ها فقط از آن‌رو با تو دوستاند که چیزی از تو می‌خواهند». ب) میزان اعتماد به دستگاه‌های حمایتی از قبیل بنیاد پانزده خرداد، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، خیریه‌های مساجد و مؤسسات عام‌المنفعه بررسی شده است.

- **موقعیت‌ها و وقایع:** به وضعیت‌هایی اشاره دارد که فرد با آن روبرو می‌شود و سبب برانگیخته شدن فرد به کمک به امر خیریه‌ای می‌شود که در اینجا به لحاظ اهمیت، موقعیت‌های سوگواری، مسافرت، عید و بیماری در قالب سؤالی به صورت مقیاس‌های از پاسخگویان پرسیده شد.

- در مقولاتی چون "اعتقاد به به عدم توانایی دولت و یا دستگاه‌های حمایتی در رفع نیازمندی" و "احساس بی‌قدرتی و باور به نتیجه‌بخشی رفتارهای خیرخواهانه در رفع یا تخفیف آلام دیگران" هر کدام در قالب گویه‌ای از پاسخگویان سؤال شد.

- **منطقه:** از نظر میزان توسعه‌یافتگی مطرح است که فرض می‌شود که با ماهیت کنش‌ها مرتبط باشد و در جوامع توسعه‌یافته‌تر رفتارهای نوع‌دوستانه‌گرایشات عام‌گرایانه (مبتنی بر دیگران به عنوان کل و انسان) بیش از گرایش‌های خاص‌گرایانه (مبتنی بر قوم، خویشاوندی و امثالهم) می‌باشد. بر مبنای نتایج سطح‌بندی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۷۵، استان‌های مورد مطالعه به ترتیب توسعه‌یافتگی به ترتیب شامل تهران، اصفهان، یزد، مرکزی، گیلان و کرمان بودند.

- **جهت‌گیری رفتارها:** با بهره‌گیری از مقیاس‌های پیشنهاد شده توسط صاحب‌نظران علوم اجتماعی (Shuessler, 1978; Miller, 1980) و تحقیقات انجام شده در ایران

(وزارت ارشاد، ۱۳۸۳)، مطالعه مقدماتی با گویه‌هایی در محورهای زیر برای بررسی انتخاب شد: «ابتدا نیاز خود فرد، بعد دیگران»؛ «کمک صرف به خویشاوندان»؛ «موظف بودن مردم در کمک به نیازمندان علی‌رغم کمک دولت»؛ «کمک به دیگر نیازمندان در هر نقطه از جهان صرف‌نظر از مذهب، ملیت و صرفاً به خاطر اهداف انسان‌دوستانه»؛ «مسئولیت فردی در برآوردن نیاز خویش و عدم توقع از دیگران»؛ «وجود سازمان‌های حمایتی (دولتی) و عدم نیاز به درخواست کمک از مردم».

تمام گویه‌ها برای بررسی معرف‌ها یا مقولات مرتبط با رفتارهای نوع‌دوستانه با استفاده از طیف لیکرت با گزینه‌های سه‌تایی (زیاد، متوسط و پایین) مطرح شدند که پس از بررسی مقدماتی (Pre-Test) برای بررسی نهایی انتخاب شدند. توضیح آن که، گویه‌های انتخاب شده برای هر یک از متغیرهای مورد بررسی، آن‌هایی بودند که دارای ضریب بالایی ۷۰ درصد (معرف روایی بالا) بودند؛ از این رو، گویه‌هایی که ضریب پایینی داشتند حذف شدند.

۳-۲) جامعه آماری و گروه نمونه

با توجه به هدف تحقیق و ماهیت داده‌های مورد نیاز، از روش تحقیق میدانی در شش استان کشور استفاده شد (جدول شماره ۱). این استان‌ها از بین سه گروه از استان‌ها از نظر درجه توسعه‌یافتگی (یعنی توسعه‌یافتگی بالا، توسعه‌یافتگی متوسط و توسعه‌یافتگی پایین) بر اساس نتایج سطح‌بندی فوق‌الذکر، به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز از ۱۷۱۰ نفر پاسخگو از طریق مصاحبه و پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. این افراد با استفاده از فرمول کوکران برآورد شدند و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی مراکز استان با توجه به بلوک‌بندی شهرداری‌های این مراکز انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. از آماره‌های مختلف مانند ضرایب همبستگی، آزمون F، تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره برای تحلیل روابط، سود جسته شده است.

جدول ۱: توزیع جمعیت نمونه بر اساس مراکز استان

مراکز استان	تهران	مرکزی	یزد	اصفهان	گیلان	کرمانشاه
تعداد نمونه	۶۰۰	۱۳۹	۱۷۳	۴۴۲	۱۴۲	۲۱۴

۳ یافته‌ها

یافته‌های تحقیق، که نتایج آن در جدول شماره ۲ منعکس شده‌است، نشان می‌دهد که به‌لحاظ مشخصات فردی، اقتصادی و اجتماعی جمعیت نمونه، نزدیک ۶۲ درصد از آنها را مردان و ۳۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهد. از نظر وضعیت تأهل، ۶۰ درصد از جمعیت نمونه را متأهلین و ۴۰ درصد را مجردین تشکیل می‌دهند. از نظر بعد خانوار، حدود ۹۵ درصد از افراد نمونه را خانوارهای ۳ نفره و کمتر و ۷-۴ نفره تشکیل می‌دهد و هر کدام از این گروه‌های سنی حدود نیمی از افراد نمونه را شامل می‌شوند و تنها حدود ۵ درصد از جمعیت نمونه دارای خانوارهای «۸ نفر و به بالا» هستند. با توجه به تحصیلات، ۴۱ درصد دارای دیپلم و پایین‌تر، ۵۴ درصد دارای «فوق‌دیپلم و لیسانس» و تنها ۴/۵ درصد دارای «فوق لیسانس یا بالاتر» می‌باشند. از نظر شغلی، حدود ۲۳ درصد از جمعیت نمونه را مشاغل سطح پائین، حدود ۳۳ درصد را مشاغل سطح متوسط، و تنها ۴/۵ درصد را مشاغل رده بالا و ۳۳ درصد دیگر را افراد خانه‌دار، سرباز و... تشکیل می‌دهد*. از نظر وضعیت اقتصادی، ۵۱ درصد از افراد نمونه خود را در سطح پایین، ۳۸ درصد در سطح متوسط و نزدیک ۱۰ درصد در سطح بالا قرار دادند.

بررسی معلوم ساخت که حدود ۲۰ درصد پاسخگویان، مشارکت حمایتی بالا، ۳۵ درصد مشارکت حمایتی متوسط و ۴۵ درصد مشارکت حمایتی پایین را در کمک به هم‌نوعان اظهار داشتند. از بین پاسخگویان ۵۰ درصد انگیزه‌های بشردوستانه و مذهبی، ۳۰ درصد ترحم و دلسوزی و ۲۰ درصد مسئولیت و تعهدات اجتماعی را به‌عنوان محرک اصلی در کمک به هم‌نوعان ذکر کردند.

بررسی روابط بین ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی پاسخگویان با رفتارهای حمایتی خیرخواهانه آنان نشان داد که متغیرهای جنس و سن رابطه معنی‌داری از نظر

* طبقه‌بندی مشاغل به سه رتبه برای سادگی تحلیل و توصیف، براساس عنوان‌بندی مشاغل مرکز آمار ایران در سرشماری نفوس و خانوارها به شرح ذیل صورت گرفته است. برای شغل سه رتبه در نظر گرفته شد: مشاغل سطح بالا شامل: (۱) متخصصین عالی‌رتبه، (۲) مدیران عالی‌رتبه، (۳) کارمندان عالی‌رتبه، (۴) مشاغل تجاری بالا؛ مشاغل سطح متوسط شامل: (۱) متخصصین غیر عالی‌رتبه (معلم، تکنسین و...)، (۲) کشاورزان، (۳) مشاغل تولیدی بالا (تراشکار، برق کار و...)، (۴) مشاغل خدماتی بالا (آرایشگر، راننده تاکسی و...)، (۵) مشاغل تولیدی متوسط (بنا، تجار، کاشی کار و...)؛ مشاغل سطح پائین شامل: (۱) کارمندی رده پایین (بایگان، نامه‌رسان و...)، (۲) دادوستدکنندگان رده پایین (بقال، خرازی و...)، (۳) کارگران کشاورزی (باغبان، ماهیگیر و...)، (۴) مشاغل خدماتی پائین (نظافتچی، دربان، باربر و...)، (۵) مشاغل تولیدی پایین (کارگر ساده کارخانه، کارگر ساختمانی، پادو و...).

آماري با رفتار حمايتي افراد ندارند و اين رابطه از نظر شدت، ضعيف و از نظر جهت، منفي مي‌باشد.

با توجه به متغيرهاي سطح تحصيلات و وضعيت تاهل، هرچند تحليل داده‌ها رابطه معناداري از نظر آماري با رفتار نيكوخواهانه پاسخگويان نشان مي‌دهد، ولي مقدار پيوستگي براي هر دو متغير منفي و ضعيف مي‌باشد. بدین مفهوم که، هر چند متغير تحصيلات در کنش حمايتي افراد مهم است، ولي در بين جمعيت نمونه، افراد متاهل و داراي تحصيلات بالا گرايش چنداني در امور مشارکت‌هاي حمايتي از خود نشان دادند و اين گرايش نیز چندان مهم نبوده‌است. بدین مفهوم که لزوماً این‌گونه نیست که تنها افراد مجرد و با تحصيلات اندک به هم‌وعان کمک مي‌کنند.

جدول ۲: توزيع پاسخگويان بر حسب متغيرهاي مورد بررسي و تحليل روابط بين رفتارهاي

حمايتي متغيرهاي مستقل

متغيرها	تعداد	درصد	معناداري (۰/۰۵)	مقدار پيوستگي	متغيرها	تعداد	درصد	معناداري (۰/۰۵)	مقدار پيوستگي
جنس				۰/۰۲۵	انگيزه کمک			۰/۰۲۵	۰/۰۲۵
مرد	۱۰۴۴	۶۱/۹			ترحم	۴۶۵	۲۷/۲		
زن	۶۶۶	۳۸/۱			مذهبي	۴۲۷	۲۵		
سن				۰/۰۰۸	انسان‌دوستانه	۴۷۸	۲۸/۲		
۳۰ و کمتر	۵۱۶	۳۰/۲			تعهداجتماعي	۳۳۰	۱۹/۷		
۳۱-۴۱	۳۵۵	۲۰/۸			مؤثربودن کمک‌ها			۰/۰۰۰	۰/۶۲۵
۴۲+	۸۳۹	۴۹/۱							
تحصيلات				۰/۰۰۳	پايين	۵۰۶	۲۹/۶		
'ديپلم و ديپلم به پائين'	۷۱۰	۴۱/۵			متوسط	۵۷۱	۳۳/۴		
'فوق‌ديپلم و ليسانس'	۹۲۳	۵۴/۰			بالا	۶۳۳	۳۷		
'فوق‌ليسانس و به بالا'	۷۷	۴/۵			وضعيت اقتصادي			۰/۰۰۰	۰/۸۴۹
بعد خانوار				۰/۰۰۹	پايين	۸۷۸	۵۱/۴		
۱-۳	۸۲۴	۴۸/۲			متوسط	۶۶۵	۳۸/۷		

۴-۷	۷۹۶	۴۶/۶	بالا	۱۶۷	۹/۸		
۸+	۹۰	۵/۳	مشارکت انجمنی		۴۱۵	۱۰۳۲	
تاهل		-/۰۹۵	پایین	۱۳۰	۷۵/۷		۱۰۰۲
مجرد	۶۹۴	۴۰/۶	متوسط	۳۳۲	۱۹/۴		
متاهل	۱۰۱۶	۵۹/۴	بالا	۸۳۸	۴/۹		

ادامه جدول ۲

میزان کمک به دیگران			اعتماد به دیگران			۱۰۰۱	۴۴۳
پایین	۷۷۳	۴۵/۲	پایین	۳۹۵	۲۳/۱		
متوسط	۳۲۷	۳۴/۶	متوسط	۵۹۷	۳۴/۵		
بالا	۶۶۰	۲۰	بالا	۷۲۵	۴۲/۴		
مذهبی بودن		/۱۰۰۰	عدم پوشش سازمان‌های حمایتی			۱۰۰۰	۵۱۲
پایین	۴۴۴	۴۶/۲	پایین	۲۷۰	۱۶		
متوسط	۱۰۴۳	۶۱/۱	متوسط	۵۱۳	۳۰		
بالا	۲۱۳	۱۲/۵	بالا	۹۵۷	۵۶		
تقدیرگرایی		/۱۰۲۸	موقعیت و وقایع			۱۰۰۰	۳۳۰
پایین	۲۷۱	۱۵/۸	سوگواری	۷۱۸	۴۲		
متوسط	۶۴۸	۳۷/۹	مسافرت	۴۷۹	۲۸		
بالا	۷۹۱	۴۲/۲	عید	۴۷۹	۲۸		
آگاهی از مشکلات		/۱۰۰۰	بیماری	۵۴	۳/۲		
پایین	۱۱۱	۶/۵					
متوسط	۵۵۷	۳۲/۶					
بالا	۱۰۲	۶۰/۹					

با توجه به بعد خانوار، در کل جمعیت نمونه رابطه معناداری از نظر آماری بین رفتار حمایتی و بعد خانوار مشاهده می‌شود، ولی این رابطه، منفی و در حد متوسط است و

خانوارهای پُر تعداد، مشارکت کمتری در مقایسه با خانوارهای کم‌تعداد در کمک به دیگران دارند.

از نظر وضعیت اقتصادی، بیش از ۵۰ درصد خود را در سطح پایین، حدود ۴۰ درصد خود را در سطح متوسط و نزدیک ۱۰ درصد خود را در سطح بالا ارزیابی کردند. تحلیل داده‌ها، رابطه معنی‌داری را از نظر آماری با رفتار حمایتی نشان داد (۰/۰۰۰)، به طوری که مقدار پیوستگی، این رابطه را مثبت و قوی نشان می‌دهد (۰/۸۴۹) که بیانگر تأثیر قابل ملاحظه وضعیت اقتصادی پاسخگویان بر رفتار حمایتی آنان می‌باشد.

بررسی میزان مذهبی بودن افراد نمونه نشان می‌دهد که حدود ۶۱ درصد آنان خود را از نظر مذهبی بودن در سطح متوسط، ۲۶ درصد پایین و ۱۲/۵ درصد خیلی مذهبی ارزیابی کردند. قابل ذکر است که با توجه به گرایش پاسخگویان به موارد هزینه در صورت داشتن تمکن مالی، نزدیک ۸۰ درصد کمک به هموعان و زیارت اماکن مذهبی را به عنوان اولویت هزینه ذکر می‌کنند. از نظر اعتقاد به نذر و نیاز، ۶۵ درصد اعتقاد زیاد و ۱۷/۵ درصد اعتقاد متوسطی را ابراز نمودند. با عنایت به این گرایشات، به نظر می‌رسد رضایت جانشینی نقش قابل توجهی در کمک به هموعان داشته باشد. از نظر آماری رابطه معنی‌داری بین مشارکت در امور حمایتی و مذهبی بودن وجود دارد. مقدار پیوستگی این رابطه را مثبت و در حد متوسط نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت نتیجه تحلیل داده‌ها از یک سو تأثیر مذهبی بودن را بر مشارکت تأیید می‌کند و از سوی دیگر این نظر را که مذهب می‌تواند نقش قاطعی در کنش مشارکتی افراد بازی کند با قاطعیت تأیید نمی‌کند و احتمال تأثیر عوامل و انگیزه‌های دیگر از جمله نیت انسان‌دوستانه را رد نمی‌کند.

یافته‌های تحقیق حاکی از گرایش قابل توجه پاسخگویان نسبت به تقدیرگرایی است. برای مثال، بیش از ۴۶ درصد از پاسخگویان اعتقاد زیاد، حدود ۳۸ درصد اعتقاد در حد متوسط و حدود ۱۶ درصد اعتقاد اندک به سرنوشت دارند. تحلیل داده‌ها، رابطه بین متغیر تقدیرگرایی و کنش حمایتی از نظر آماری را معنی‌دار نشان می‌دهد و ضریب پیوستگی، میزان ارتباط را در حد متوسط و جهت آن را منفی نشان می‌دهد؛ این بدین مفهوم است که تقدیرگرایی بالا اغلب با مشارکت اندک در کمک به نیازمندان ملازم‌ت دارد.

از نظر این‌که، آگاهی از مشکلات اقتصادی مردم در بین افراد مورد بررسی چقدر بوده است، داده‌ها معلوم می‌دارد که بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان آگاهی‌شان در مورد مسائل و مشکلات مردم خصوصاً مسائل اقتصادی‌شان زیاد یا متوسط و ۴۰ درصد اندک می‌باشد. در کل جمعیت نمونه، رابطه بین آگاهی از مشکلات و میزان مشارکت از نظر

آماري معني‌دار و قابل توجه بوده که مي‌تواند تاثيري بر تاثير امکان (يا شرايط) عيني بر کمک به ديگران باشد.

حدود ۸۶ درصد پاسخگويان اعتقاد دارند که سازمان‌هاي فعال در امور حمايتي توانايي پوشش تمام افراد جامعه را ندارند يا کمک‌هاي آن‌ها به‌حدي نيست که بتواند در رفع نياز نيازمندان کاملاً موثر باشد. همين‌طور بيش از ۷۰ درصد پاسخگويان بر اين باورند که کمک‌هاي آنان يا کمک‌هاي مردم در برطرف کردن آلام و نيازهاي ديگران موثر است. هر دو اين مقولات رابطه‌اي معني‌دار و بالا را با متغير مشارکت حمايتي آشکار مي‌سازند.

با توجه به متغير اعتماد (به ديگران)، ۴۳/۴ درصد از آنان اعتماد زياد به مردم، ۳۴/۵ درصد اعتماد نه چندان زياد و ۲۳/۱ درصد اعتمادي اندک به مردم دارند. بر اساس داده‌ها مي‌توان گفت که افراد نمونه تا حد زيادي نسبت به ديگران (خصوصاً در بيان نيازشان) خوشبين هستند. از نظر اعتماد به دستگاه‌هاي حمايتي (به‌واسطه کمک به نيازمندان از طريق آنان) بالاترين درصد اعتماد پاسخگويان، به ترتيب به مساجد و خيره‌ها ۵۱/۴ درصد، به کمیته امداد ۴۱/۱ درصد، به سازمان بهزيستي ۲۶/۷ درصد و به بنياد پانزده خرداد ۲۳/۹ درصد مي‌باشد. تحليل روابط بين اعتماد و کنش حمايتي پاسخگويان نيز حاكي از وجود همبستگي مثبت و نسبتاً قوي بين اعتماد به مردم و همبستگي ضعيف در مورد دستگاه‌هاي حمايتي نمايان است که مي‌تواند بدین مفهوم باشد که رفتارهاي حمايتي افراد نمونه لزوماً از اعتماد آنان به اين دستگاه‌ها تاثير نمي‌پذيرد.

جدول ۳: توزيع پاسخگويان بر حسب ميزان اعتماد به دستگاه‌هاي حمايتي

سازمان‌ها اعتماد	بنياد ۱۵ خرداد	سازمان بهزيستي	کميته امداد	خيره‌ها و مساجد
پايين	۳۲/۱	۲۲/۸	۱۷/۰	۸/۶
متوسط	۳۷/۹	۴۵/۱	۳۹/۴	۲۹/۳
بالا	۲۳/۹	۲۶/۷	۴۱/۱	۵۱/۴
هيچکدام	۶-۱	۵/۴	۲/۵	۱۳/۷
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

بررسی نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان (بیش از ۷۵ درصد) مشارکت اجتماعی (انجمنی) اندکی در سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی داشتند که خود حاکی از ضعف جامعه مدنی بوده که زمینه چندان مساعدی را برای مشارکت فعال افراد در انجمن‌ها و موسسات مدنی ایجاد نکرده است. در بین فعالیت‌های فوق‌الذکر، اغلب پاسخگویان اظهار داشتند که در فعالیت مذهبی و عبادی شرکت دارند. هرچند تحلیل داده‌ها همبستگی بین مشارکت انجمنی و مشارکت در امور حمایتی، رابطه مثبت ولی ضعیفی را آشکار می‌نماید که بر تأثیر اندک مشارکت انجمنی در فعالیت‌های حمایتی اشاره دارد.

با توجه به برخی موقعیت‌ها و وقایع خاص، که افراد معمولاً در طی زندگی خود با آن‌ها مواجه می‌شوند، حدود ۴۲ درصد موقع سوگواری، ۲۸ درصد موقع مسافرت، نزدیک ۲۷ درصد ایام عید و ۳/۲ درصد زمان بیماری را مؤثر و مهم ذکر کردند. این موقعیت‌ها دارای رابطه معنی‌دار و دارای همبستگی مثبت و قابل ملاحظه‌ای از نظر آماری با رفتارهای حمایتی می‌باشند.

بررسی این‌که آیا تفاوت‌های منطقه‌ای به‌لحاظ میزان توسعه‌یافتگی بر مشارکت افراد نمونه در امور حمایتی تأثیر دارد یا نه، تحلیل واریانس یک‌طرفه (Anova) تفاوت‌های معناداری بین این استان‌ها از نظر درجه توسعه‌یافتگی و میزان مشارکت در امور حمایتی نشان داد. به عبارتی تأثیر مناطق مختلف در کنش حمایتی مهم است و لزوماً استان‌های مورد بررسی از این جهت یکسان نیستند و میزان توسعه‌یافتگی استان‌ها عاملی مؤثر در مشارکت‌های مردمی در کمک به هم‌نوعان محسوب می‌شود. آزمون F تفاوت معناداری بین گروه‌ها (جدول شماره ۴) را بیان می‌دارد و تفاوت میانگین‌ها به ترتیب نزولی در مناطق مورد مطالعه رابطه مذکور را نشان می‌دهد.

مقایسه استان‌های مورد مطالعه نیز نشان می‌دهد که استان تهران با بقیه استان‌ها از نظر سطح توسعه‌یافتگی و میزان مشارکت تفاوت معناداری دارد. یعنی تأثیر توسعه‌یافتگی بر میزان مشارکت پاسخگویان در امور حمایتی در تهران بیش از سایر استان‌ها است. مقایسه سایر استان‌ها با همدیگر نشان می‌دهد (به استثناء تهران) روابط معناداری از نظر آماری بین آن‌ها وجود ندارد.

جدول ۴: تحلیل واریانس مشارکت در امور حمایتی و منطقه (درجه توسعه‌یافتگی)

استان	میانگین	تعداد (N)	مجموع مجذورات	DF	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
تهران	۴/۰۹	۵۷۶	۶۷/۷۲۴	۵	۱۳/۵۴۵	۱۲/۵۶۱	۰۰۰

اصفهان	۳/۷۰	۴۴۲	درون مناطق	۱۸۰۰/۸۲۵	۱۶۷۰	۱/۰۷۸
یزد	۳/۸۱	۱۷۶	مجموع	۱۸۶۸/۵۴۹	۱۶۷۵	
مرکزی	۳/۵۹	۱۲۸				
گیلان	۳/۵۳	۱۴۲				
کرمانشاه	۳/۷۸	۲۱۲				
کل	۳/۸۴	۱۶۷۶				

بررسی جهت رفتارهای نوع دوستانه نشان می‌دهد که اولاً، گرایش‌های عام‌گرایانه عموماً در کلیه مناطق قابل توجه است. ثانیاً، گرایش به رفتارهای عام‌گرایانه در استان‌های توسعه‌یافته نسبت به مناطق کمتر توسعه‌یافته بیشتر است. تحلیل داده‌ها نیز ارتباط بین توسعه‌یافتگی و جهت رفتارهای دگردوستانه را معنادار نشان می‌دهد و این ارتباط نسبتاً قابل توجه و مثبت می‌باشد. (جدول شماره ۵)

بر اساس تحلیل رگرسیون چند متغیره، متغیرهای در نظر گرفته شده در این مطالعه در مجموع دارای رابطه معناداری با متغیر مشارکت حمایتی می‌باشند و ضریب رگرسیون با مقدار نسبتاً بالایی (۶۵ درصد) تغییرات متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته (رفتار حمایت نوع دوستانه) تبیین می‌کند. در کل جمعیت نمونه متغیرهای مستقل بیش از ۴۲ درصد تغییرات در متغیر رفتار حمایتی را پیش‌بینی کردند که به نظر می‌رسد در حد مطلوبی است.

جدول ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب جهت رفتارهای نوع دوستانه و منطقه (توسعه‌یافتگی)

رده‌بندی بر اساس توسعه‌یافتگی	عام‌گرایانه (درصد)	خاص‌گرایانه (درصد)	تعداد (N)
تهران	۶۷/۲	۳۸/۸	۵۷۶
اصفهان	۶۲/۱	۶۱/۹	۴۴۲
یزد	۵۳/۷	۴۶/۳	۱۷۶
مرکزی	۴۸/۱	۴۸/۱	۱۲۸
گیلان	۳۷/۴	۵۱/۸	۱۴۲
کرمانشاه	۴۰/۵	۶۶/۶	۲۱۲

		۰/۰۰	معناداری مقدار
		/۴۳۱	پیوستگی

بررسی تأثیرات جزئی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان داد که بالاترین ضریب بتا به ترتیب به متغیرهای «اعتقاد به موثر بودن کمک‌ها»، «آگاهی از مشکلات معیشتی مردم»، «توسعه‌یافتگی»، «عدم توان پوشش سازمان‌های حمایتی»، «وضعیت اقتصادی»، «میزان اعتماد به دیگران (در نیاز به کمک)»، «موقعیت‌ها و وقایع»، «تعلق دارد. بررسی همچنین آشکار ساخت که متغیرهای جنس، تأهل، بعد خانوار و تقدیرگرایی رابطه منفی با مشارکت در امور حمایتی را نشان می‌دهند، با این حال تأثیر این متغیرها به علاوه بقیه متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون بر مشارکت حمایتی جمعیت نمونه، تعیین‌کننده نیست. (جدول شماره ۶)

جدول ۶: رگرسیون چند متغیره رفتارهای حمایتی و متغیرهای مستقل در کل جامعه آماری و مناطق مورد مطالعه

متغیرهای مستقل	ضریب بتا	متغیرهای مستقل	ضریب بتا
تاهل	-۳۰۶	عدم توان پوشش سازمان‌های حمایتی	/۴۳۵
جنس	-/۴۱	وضعیت اقتصادی	/۴۶
تحصیلات	/۰۰۷	مذهبی بودن	/۰۴۳
شغل	/۰۱۸	تقدیرگرایی	-/۰۱۳
بعد خانوار	-/۰۴۵	اعتماد به دیگران	/۳۱۹
سن	/۰۴۲	آگاهی	/۷۷۱
باور به موثر بودن کمک‌ها	/۸۸۵	موقعیت و وقایع	/۳۹۹
منطقه (توسعه‌یافتگی)	/۷۰۰	مشارکت انجمنی	/۰۱۱
F-آزمون	۴۵/۵۱	Multi-R R-square	/۶۵

معناداری آماری	۰/۰۰	۴۲/
تعداد	۱۷۱۰	

توضیح: با رعایت قواعد حاکم بر تحلیل رگرسیون چند متغیره، برای ورود به معادله رگرسیون در مورد متغیرهای زیر به صورت ذیل عمل شد: تأهل و جنس به متغیرهای دو گزینه‌ای تبدیل شدند؛ تحصیلات با پنج طبقه با ارزش ۱ تا ۵ به ترتیب از سطح پایین تا بالا بررسی شدند؛ شغل بر اساس رتبه‌بندی مشاغل مرکز آمار ایران در ۱۴ گروه با نمره ۱ تا ۱۴ بر اساس رتبه شغلی وارد معادله شد؛ متغیرهای "باور به موثر بودن کمک‌ها" و "عدم توان پوشش سازمان‌های حمایتی" در یک شاخص ۱ تا ۷ مورد بررسی قرار گرفتند.

۴) نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال آن بود که به تبیین رفتارهای حمایتی‌ای از قبیل کمک به دیگران (نیازمند) بپردازد و ماهیت، عوامل و انگیزه‌های کمک و جهت آن‌ها را بررسی کند. با مروری بر مهم‌ترین نظریات و دیدگاه‌های مرتبط، رفتارهای حمایتی به نوع خاصی از کنش اجتماعی یا مشارکتی اطلاق شد که با دغدغه خاطر برای دیگران همراه است، بیش از آن‌که منشأ درونی و ذاتی یا تقلیدی داشته باشد مدلل و آگاهانه است، و در عین حالی که داوطلبانه است، متغیرهایی از قبیل فشارها و هنجارهای اجتماعی، باورها، عقاید، توان عینی (مانند استطاعت اقتصادی) و امثالهم در بروز این نوع رفتار نقش ایفا می‌کنند. هر چند برخی از افراد در برخی از جوامع برای اعمال خیرخواهانه رضایت جانشینی مانند ایثار و فداکاری را مد نظر قرار می‌دهند، ولی انگیزه‌های دگرخواهی صادقانه آگاهانه، که ریشه در همدلی، اعتماد و همفکری دارد و مبتنی بر انسان‌دوستی صرف است، در بروز این رفتارها تأثیر بسزایی دارد.

بررسی تجربی رفتارهای حمایتی یا نوع‌دوستانه و عوامل و انگیزه‌های مؤثر بر آن‌ها و همچنین جهت آن‌ها، با استفاده از روش میدانی در شش استان کشور با تعداد ۱۷۱۰ نمونه انجام شد و موارد زیر معلوم گردید:

از ویژگی‌های فردی، جنس، تأهل و سن چندان ارتباط و پیوستگی معنادار یا قوی را از نظر آماری با رفتار حمایتی افراد نشان ندادند. از ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، اگرچه شغل و تحصیلات رابطه معنی‌داری را نمایان ساختند، ولی این ارتباط چندان تعیین‌کننده (زیاد) مشاهده نگردید. متغیرهای بعد خانوار و وضعیت اقتصادی رابطه معنی‌داری با رفتار حمایتی آشکار ساختند، به طوری که میزان پیوستگی به ترتیب در حد متوسط و به بالا مشاهده گردید.

بخش قابل‌توجهی از جامعه نمونه، خود را خیلی مذهبی ذکر کردند و دارای گرایش‌های قدرگرای بالایی بودند. این متغیرها، دارای رابطه معنی‌داری بین میزان مذهبی بودن

و رفتار نوع دوستانه بوده، ولی تحلیل داده‌ها این رابطه را در حد متوسط نشان داد. تقدیرگراها مشارکت حمایتی پایینی از خود نشان دادند. متغیر «آگاهی از مشکلات اقتصادی مردم» رابطه معنی‌دار و بالایی با رفتار حمایتی آشکار ساخت. مشارکت انجمنی در کل جامعه نمونه، پایین و ارتباط آن ضعیف، ولی مثبت مشاهده گردید. اکثریت اعتقاد داشتند که سازمان‌های حمایتی فعال در جامعه قادر نیستند نیازهای افراد نیازمند را تحت پوشش قرار دهند در مقابل، کمک‌های خودشان به دیگران را در رفع مشکلات آنها موثر می‌دانستند. رابطه این باورها با مشارکت حمایتی معنی‌دار و نسبتاً قوی مشاهده گردید.

موقعیت‌ها و وقایع خاص (مانند سوگوار، مسافرت، عید)، که نقش بلاواسطه‌ای در تحریک احساسات افراد دارند، رابطه معنی‌دار، مثبت و قابل ملاحظه‌ای با رفتارهای حمایتی معلوم ساختند. تحلیل داده‌ها تاثیر تفاوت‌های منطقه‌ای را با توجه به میزان توسعه‌یافتگی آنها مهم نشان داد. همچنین یافته‌ها جهت عام‌گرایی رفتارهای حمایتی را با درجه توسعه‌یافتگی مناطق مورد تایید قرار داد. با توجه به این‌که تفاوت‌های منطقه‌ای بیشتر بین مناطق بیشتر توسعه‌یافته (مثل تهران) و مناطقی بود که از نظر میزان توسعه‌یافتگی در رتبه بعدی قرار دارند، در بین گروه اخیر این تفاوت‌ها اندک بوده است، لذا می‌توان گفت هر چند در بین مناطق مورد بررسی، رفتارهای حمایتی گرایش به عام‌گرایی دارد، ولی گرایش خاص‌گرایی در جمعیت نمونه نیز قابل توجه است. به علاوه، با توجه به نقش باورهای قدرگرای و انگیزه‌های مذهبی، که بخشی از آنها در اعتقاد به نذر و نیاز انعکاس پیدا می‌کند، می‌توان گفت که رضایت جانشینی مبتنی بر ایثار و فداکاری هنوز در جامعه آماری مورد مطالعه نقش قابل ملاحظه‌ای در کمک‌های نوع دوستانه ایفا می‌کند.

در مجموع متغیرهای مورد بررسی، حد قابل قبولی از تغییرات را در رفتار حمایتی افراد نمونه پیش‌بینی کردند، بدین معنی که با تغییر آنها می‌توان تا حد قابل ملاحظه‌ای تغییر در رفتار کمک‌رسانی و نوع دوستانه را شاهد بود. با توجه به میزان تاثیر مثبت متغیرهای مورد بررسی بر رفتار حمایتی، بیشترین میزان تاثیر به ترتیب به متغیرهای «اعتقاد به موثر بودن کمک‌ها»، «آگاهی از مشکلات معیشتی مردم»، «توسعه‌یافتگی»، «وضعیت اقتصادی»، «عدم توان پوشش سازمان‌های حمایتی»، «موقعیت‌ها و وقایع»، «میزان اعتماد به دیگران (در نیاز به کمک)» تعلق داشت. هر چند ضریب بتا در مورد متغیر سن و تأهل قابل توجه است ولی دارای رابطه منفی با مشارکت حمایتی است. بقیه متغیرها در رتبه بعدی قرار داشتند و تأثیر چندان زیادی را بر مشارکت حمایتی جمعیت نمونه نمایان نداشتند.

اگر بخواهیم با توجه به یافته‌های تحقیق به یک جمع‌بندی در مورد رفتارهای حمایتی برسیم بایستی گفت که زن یا مرد بودن، جوان یا پیر بودن، متأهل و مجرد بودن و شغل خاصی داشتن در بروز این رفتارها هر چند بی‌تاثیر نیستند ولی نقش خیلی قاطعی را ایفا نمی‌کنند. اگر افراد از شرایط فقر و نیازمندی افراد دیگر آگاه و مطمئن باشند و به این نتیجه برسند کمک‌هایی آن‌ها می‌تواند در حل مشکلات هم‌نوعان تأثیری داشته باشد، به‌ویژه در موقعیت‌هایی قرار گیرند که عواطف آن‌ها بیشتر متأثر شود، در صورتی‌که امکان عینی کمک داشته باشند به دیگران کمک خواهند کرد.

رفتارهای حمایتی ممکن است ریشه فطری، روانی، اجتماعی یا بی‌اجتماعی داشته باشد، با این‌وصف، به نظر می‌رسد انگیزه‌های نوع‌دوستانه با خصایص این‌ارگانه و خالصانه نقش مهمی در بروز این نوع رفتارها دارند و در مناطق توسعه‌یافته‌تر بروز این رفتارها تا حد زیادی در راستای همدلی با هم‌نوعان و با انگیزه‌های کمک به انسان - به مفهوم عام (نه انسان هم‌کیش، خویشاوند و هم‌قوم و امثالهم) - صورت می‌گیرد.

۱. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی.
۲. رجب‌زاده احمد. (۱۳۷۷)، حیات دینی خانوار در شهر تهران، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷ و ۸.
۳. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۶۸)، سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهادسازندگی: پژوهشی در استان‌های اصفهان، فارس و یزد، مرکز مطالعات روستایی، تهران، وزارت جهاد سازندگی.
۴. سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی. (۱۳۷۵)، سطح‌بندی استان‌های کشور در سال ۱۳۷۵ و مقایسه آن با نتایج سطح‌بندی سال‌های ۱۳۷۲، ۱۳۶۷-۱۳۵۵، معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی، نشریه شماره ۲۱۱.
۵. سراج‌زاده، سیدحسین. (۱۳۷۷)، نگرش‌ها و رفتار دینی نوجوانان تهرانی، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷ و ۸.
۶. شکوری، علی. (۱۳۸۲)، بررسی زمینه‌های مشارکت مردمی در جلب هدایا، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس کمیته امام خمینی.
۷. طالبان محمدرضا. (۱۳۷۷)، سنجش دینداری جوانان، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷ و ۸.
۸. کمیته‌امداد امام خمینی. (۸۳-۱۳۷۰)، گزارش آماری، کمیته‌امداد امام خمینی، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس کمیته‌امداد امام خمینی.
۹. کمیته‌امداد امام خمینی. (۱۳۸۱)، خط مشی‌های اساسی برنامه پنج‌ساله کمیته‌امداد امام خمینی، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس کمیته‌امداد امام خمینی.
۱۰. محسنی تبریزی، علی‌رضا و موسوی‌نژاد سیدابراهیم. (۱۳۷۰)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان در ارتباط با نظام آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، معاونت ترویج و مشارکت‌های مردمی، وزارت جهاد سازندگی.
۱۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۶۱، ۱۳۶۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰)، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی.
۱۲. معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی کمیته‌امداد. (۱۳۷۳)، بررسی تأثیر حمایت‌های اقتصادی - اجتماعی کمیته‌امداد امام خمینی (ره) بر عزت نفس فرزندان تحت پوشش، تهران، انتشارات کمیته‌امداد.
۱۳. موسوی، مینو. (۱۳۸۰)، آکسفام بزرگ‌ترین سازمان غیردولتی جهان، تهران، مجله شهرداری‌ها، شماره ۱۶.
۱۴. نادری، سیف نراقی. (۱۳۷۰)، اختلالات رفتاری کودکان، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات.
۱۵. نخجوانی، سیداحمد. (۱۳۸۱)، رفاه اقتصادی خانوارهای کشور، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶. تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
۱۶. نمازی، محمدباقر. (۱۳۸۰)، بررسی وضع موجود تشکلهای غیردولتی ایران، مجموعه مقالات نقش و جایگاه NGO در عرصه

- فعالیت ملی و بین‌المللی، تهران، دفتر تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
 ۱۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۳)، **رفتارهای فرهنگی ایرانیان**. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۸. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۳)، **سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

19. Baron and Byrne. (1987), "**Social Psychology and Human Interaction**", 5th edition, New York: Harper.
 20. Blau, P. (1961), "**Exchange and Power in Social Life**". New Brunswick, NJ: Transaction Publications.
 21. Campell, D.T. (1988), "**Social Attitudes and Other Acquired Behavioral Dispositions**". in S. Koch (ed.), *Psychology, A Study of A science*, NewYork, McGraw- Hill.
 22. Dekker, P. and E.M. Uslaner. (2001), "**Social Capital and Participation**". New York: Rutledge.
 23. Elster, J. (1990), "**The Cement of Society: A Study of Social Order**". Cambridge: Cambridge University Press.
 24. Fishbein & Ajzen. (1975), "**Belief, Attitude, Intention and Behaviour: An Introduction to Theory and Research**". London: Addison-Welley.
 25. Kaplan-Sadock. (1990), "**Clinical Psychiatry**". one Edition.
 26. Miller, D. (1992), "**Community and Citizenship**". in A. Shloma, *Communitarianism and Individualism*, Oxford: Oxford University Press.
 27. Miller, D.C. (1980), "**Handbook of Research Designs and Social Measurement**". (2nd eds), New York: Mckuy.
 28. Monroe, J. D. (1991), "**Explaining Differences Between Rational Actors and Altruism through Cognitive Frameworks**". *Journal of Politics*, vol. 53, no 2.
 29. Myers, D. (1988), "**Social Psychology**". New York: Harper.
 30. Page, R. (1996), "**Altruism and the British Welfare State**". Aldershot: Avebury.
 31. Rahnema Majid. (1999), "**Participation in the Development Dictionary**". Ed by Wolf Gang Sachs. London : Zed book Ltd.
 32. Shuessler, K., and Freshnock, L. (1978), "**Measuring Attitudes Towards Self and Others in Society: State of the Art**". *social Forces*, no. 56.
 33. Sills, David. L. (1957), "**The Volunteers**". Glenco, III. The Free

Press.

34. Wuthnow, R. (1991), "**Acts of Compassion, Caring for Others and Helping Ourselves**". Princeton: Princeton University Press.

35. Zokaei, S. (1999), "**Altruism and Citizenship**". (PhD Thesis), University of Sheffield, UK.